

بخش اول - تئوری شعر

فصل هفتم - تأثیر شعر اروپائی

شعر نوی فارسی محصول انقلاب مشروطه و برخورد فرهنگ از رفق افتاده ما با فرهنگ نوتوان شده غرب بود. و ضرورت تغییر که حس شد نوبت به الگوبرداری هم رسید. از آغاز دوران رضاشاه تاکنون کمتر شاعری را می توان یافت که از شعر اروپائی متأثر نشده و از آن سرمشق نگرفته باشد. این امر به خصوص در مورد شاعرانی صادق است که یا در مدارس فرنگی زبان ایران تحصیل کرده اند (مثل نیما در مدرسه سن لوئی)، یا در کشورهای اروپائی درس خوانده اند (مثل خانلری در فرانسه) و یا در ایران با زبان های اروپائی آشنا شده اند.

نکته جالب توجه تغییری است که در نوع منابع تأثیر اروپائی ی شعر فارسی پیش آمده است. از صدر مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زبان دوم سیستم آموزش رسمی ی کشور ما زبان فرانسه بوده است. اگرچه مدارس آمریکائی تهران نیز درجه هائی گشوده بر تمدن و فرهنگ مغرب زمین به شمار می آمدند اما، بر خلاف مدارس فرانسوی، در روش های آموزشی ی این مدارس کمتر بر ادبیات و شعر تأکید می شد.^۱

نتیجه این شد که شعر فارسی جریان نو شدن خود را با نسخه برداری از روی شعر شاعران فرانسه آغاز کند. نیما خود می گوید: «آشنائی با زبان فرانسه راه تازه را پیش پای من گذاشت». ^۱ تحقیق در مورد آن دسته از شاعران فرانسوی زبانی که بر نیمای جوان دانش آموز مدرسه «سن لوئی» تهران تأثیر نهاده اند می تواند خود موضوع جالبی باشد. همچنین تأثیر رمانتیک های فرانسه بر شعر مکتب سخن امری کاملاً آشکار است.

در جریان این نسخه برداری ها بود که، به نظر من، روش کار شاعران مکتب سمبولیزم شعر فرانسه، به خاطر حضور جو خفقان سیاسی در ایران، به صورت پیدایش نوعی تمثیل گرائی در شعر نوی فارسی منعکس شد و به خصوص به صورت وجه مشخصه ای در کار شاعران پس از نیما درآمد. در این جریان، تسلط نوعی «تقلیل گرائی» نیز به چشم می خورد که عاقبت شعر نوی فارسی را تبدیل به مجموعه ای از کلمات معین کرد که معنائی غیر مرسوم، اما شناخته شده از جانب خواننده، را با خود حمل می کردند. یعنی، «آفتاب»، «ابر»، «طوفان»، و کلماتی از این دست، هر يك معناهای سیاسی معینی یافتند که نویسنده با کمک آنها با خواننده خود ارتباط برقرار کرده و پیام خویش را به او می رساند. حتی در سمبولیزمی که در استعمال کلماتی همچون «جنگل» و «گل سرخ» وجود داشت نیز تقلیل گرائی وجه مسلط شعر بوده است.^۲

از ۱۳۳۲ به بعد، و با تسلط روزافزون آمریکا بر ایران، دوران تأثیر گرفتن از شاعران انگلیسی زبان آغاز شد. در ۱۳۳۴ انتشار ترجمه فارسی «سرزمین ویران» از «تی.اس. الیوت» حادثه ای اساسی در تاریخ شعر نوی فارسی بود و توانست سیر تحول شعر نوی ما را از جانب تمثیل سازی های سیاسی به سوی ابهام و تعبیر پذیری ی طبیعی شعر برگرداند. بی سبب نبود که، در نخستین سال های دهه ۱۳۴۰، نیز فعالیت گروه شاعران

«موج نو»، با انتشار اثر مهم دیگری از الیوت، به نام «چهار کوارتت»، آغاز گردید. اگر شعر نیمائی و شعر مکتب سخن به زبان فرانسه مدیون باشد، شعر موج نوبی شك از دل گرتته برداری های شاعرانش از روی شعر مدرن انگلیسی برآمده است. زبان دوم نیما، مقدم، کیا، خانلری، شاملو، نادرپور، و رویائی همگی فرانسه بود، اما اکثر شاعران دهه ۴۰، چه آنها که به شعر نیمائی نزدیک بودند (مثل براهنی، آزاد، دستغیب، صفارزاده، قیسی، سرشک، خوئی) و چه آنها که به شعر موج نو تعلق داشتند (مثل خود من، مجابی، اصلاتی، احمدی، الهی و مجید نفیسی)، با زبان انگلیسی آشنا بودند. به این دلیل شاید بتوان گفت که شاعران جوان دهه ۴۰ از دریچه ای متفاوت با دیدگاه شعر نیمائی به شعر می نگریستند و، در نتیجه، شعرشان نیز از همان آغاز رو به جانب نوعی جدائی از شعر نیمائی را داشت.

۱. یکی از نکات جالب در مورد مدارس آمریکائی ی ایران تأثیر خاص مذهبی و اخلاقی ی آنها بر شاگردانشان است. پرورندگان این مدارس، مثل پروین اعتصامی، نه تنها چندان میانه ای با نوآوری ادبی نداشتند، بلکه در اندیشه نیز بسیار اخلاقی بوده و از نشان دادن هر نوع هیجان عاطفی خودداری می کردند. در این مورد ر. ک. به: ح. ب. دهقانی ی تفتی. مسیح و مسیحیت در ایران. جلد سوم. لندن ۱۹۹۴.

۲. نیما یوشیج. «سخنرانی در نخستین کنگره نویسندگان ایران». در مورد حرف های نیما در این سخنرانی و صحت و سقمشان رجوع کنید به: اسماعیل نوری علا. «اثر یا هنرمند، آیا مسئله این است؟». پوشکران. شماره ۵. اردیبهشت ۱۳۷۲. صفحه ۸.
۳. نگاه کنید به: اسماعیل نوری علا. «آخرین کتاب اخوان ثالث و مسئله بازگشت ادبی». فصل کتاب. شماره ۷. لندن، بهار ۱۳۴۷. صفحه ۴۰.